

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٧.



۱ - حوزه علم و پژوهش را به‌شماره‌های غیر علمی می‌آیند.

اصل رعایت انصاف و امانت: تعدد به‌جانب از حرکت جانب داری غیر علمی معاونت پژوهش

به نام خدا

شورا اخلاق پژوهش

بیاباری از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به‌منظور پاس داشت تمام بلند دانش و پژوهش و نظریه‌ها است جایگاه دانشگاه در احتمالی فرهنگ و تمدن بشری مادام‌العمر و اعنای بیست علمی واحد‌های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می‌گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت‌های پژوهشی در نظر قرار داده و از آن تعطفی نکنیم:

۲ - اصل براست: التزام بر راست جویی از حرکت رفتار غیر حرفه‌ای و اعلام موضع نسبت به کسانی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۳ - اصل ترویج: تعدد به‌رواج و دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به‌بکاران علمی و دانشجویان به‌غیر از مواردی که منسوخ قانونی دارد.

۴ - اصل احترام: تعدد به‌رعایت حریم با حرمت با در انجام تحقیقات و رعایت جانب‌تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.

۵ - اصل رعایت حقوق: التزام بر رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهش‌کنان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.

۶ - اصل رازداری: تعدد به‌صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمانها و کشور و کلیه افراد و نهادی مرتبط با تحقیق.

۷ - اصل حقیقت‌جویی: تلاش در راستای پی‌جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.

۸ - اصل باکلیت‌مادی و معنوی: تعدد به‌رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بکاران پژوهش.

۹ - اصل منافع ملی: تعدد به‌رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
رشته: ادیان و عرفان تطبیقی

عنوان:

بررسی جلوه های عاشق و معشوق در داستان شیخ صنعان با

ترجمان الاشواق ابن عربی

استاد راهنما:

دکتر عبدالرضا مظاهری

استاد مشاور:

دکتر بخشعلی قنبری

پژوهشگر:

طاهره فهیمی نجم

تابستان ۱۳۹۲

تقدیرم . . .

اگر عشق در دلت خانگند، تو صاحبخانه‌ی خدای ثوی.

خدا در دلی که عاشق است ساکن می‌شود.

اما این صاحبخانه، خانه را نیز به تدریج به خود تبدیل می‌کند.

بازید بطایمی می‌گوید: «تختین بار که برج رفتم، خانه‌ای دیدم. دوسین بار که به خانه رفتم، خداوند خانه را دیدم. سوسین بار، نه خانه دیدم و نه خداوند خانه.» یعنی چنان در خانه کم شده بودم که هیچ نمی‌دانستم. دیگر من در میان نبودم که بنیم، بازید در خدا کم شده بود، خدا شده بود.

«ای کاش خدا تویم»

تقدیرم به بمسرم آقای مهندس مادی ریوندی؛ همسری از خود گذشته که با تمام وجودش همراه با عشق پس از خداوند نکیه گاه من بود در راه رسیدن به قلعه‌های رفیع علم و دانش؛ و این چنین شد که از چشمان مهربان او نوشتم حکایت بی‌نیست عشق را همچون دیوان ساقی و باقی ام و دو کبوتر زیبای باغ زندگی ام رضا و رضا که در دوران تحصیل نخب فراوانی را مصلی شدند.

پاسکزاری

نصیب من چو خرابات کرده است الله
کسی که در ازلش جام می نصیب افتاد
بکوبه صوفی سالوس خرقه پوش دورو
تو خرقه راز برای ریا همی پوشی
غلام همت زندان بی سروپایم
مراد من ز خرابات چونک شد حاصل
برو که ای در حرکت اسو حافظ
درین میان بکوزاید امر چه گناه
چرا به حشر کنند این گناه از او در خواه
که کرده دست درازی و آستین کوتاه
که تابه زرق بری بندگان حق از راه
که مرد و نیز زود به پیش شان یک گاه
دلم ز مدرسه و خانقاه گشت سیاه
مراد خویش نیابی مگر بشی الله

اللهی چون تو خواستی چنین شد و من تنها نوشتم آنچه را که تو مقدر فرموده ای، نوشتم از حقیقت عشق زیرا عشق، حقیقتی جز تو نیست و تمام مجازهای عالم همچون رودی به دریای حقیقت تو می پیوندند.

سپاس تو را که در روزها و شب های عمرم همیشه در کنارم بودی و دمی تنه ایم نگذاشتی، پس از تو عاجزانه می خواهم، باز هم دست های خسته ام را در دست مهر خویش بفشاری که جز تو مهربانی ندارم و جز تو معشوقی نخواهم.

و با سپاس از پدر و مادرم که راه و رسم شریعت و محبت خاندان نبوت (ع) را به من آموختند.

و با سپاس و تقدیر فراوان از استاد ارجمند جناب آقای دکتر بخشعلی قنبری که عدالت علوی در سایه ی محبت را به من آموخت و جناب آقای دکتر عبدالحسین طریقی که پیر طریقت است و در وادی صداقت قدم بر می دارد و سپاس از همه بزرگانی که مرا در این مسیر یاری کردند.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **طاهره فهیمی نجم** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی **۹۰۰۷۹۸۸۵۱** در رشته: **الهیات و معارف اسلامی** گرایش: **ادیان و عرفان تطبیقی** دانشکده ادبیات و علوم انسانی که در تاریخ **۱۳۹۲/۴/۳۰** از پایان نامه خود تحت عنوان: **«بررسی جلوه های عاشق و معشوق در داستان شیخ صنعان و مقایسه آن با ترجمان الاشواق ابن عربی»** با کسب نمره **۱۹/۲۵** و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در موارد که دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی معجز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ: ۱۳۹۲/۴/۳۰

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم طاهره فهیمی نجم از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۹/۲۵ به حروف نوزده و بیست و پنج صدم و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی

XX

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۴۰۱۹۱۲۰۰۲
عنوان پایان نامه: بررسی جلوه های عاشق و معشوق در داستان شیخ صنعان با ترجمان الاشواق ابن عربی		
نام و نام خانوادگی دانشجو: طاهره فهیمی نجم	تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۹۱/۱۰/۵	تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۲/۴/۳۰
شماره دانشجویی: ۹۰۰۷۹۸۸۵۱	رشته تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی گرایش: ادیان و عرفان تطبیقی	
استاد / استادان راهنما: دکتر عبدالرضا مظاهری		
استاد / استادان مشاور: دکتر بخشعلی قنبری		
آدرس: تهران - تهرانپارس - خ ۲۱۶ شرقی - پلاک ۶۳ - واحد ۴ - تلفن ۰۹۱۲۵۳۷۵۶۴۱		
<p>چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):</p> <p>عشق موهبتی الهی است که جلوه حقیقی آن در دل اولیاءالله به ظهور می رسد و خداوند آن نفسی را که بخواهد به سر منزل مقصود برساند به عشق مبتلا خواهد کرد. جلوه های عاشق و معشوق در دو اثر بزرگ ترجمان الاشواق ابن عربی و شیخ صنعان در منطق الطیر تجلی اشعار ابن عربی و عطار بین حقیقت و مجاز است. رمزگونه بودن این دو اثر عرفانی بیانگر اهداف شاعر و تداعی عشق حقیقی در شعر است. همان گونه که عطار با رمز و ایهام سخن رانده است، ابن عربی نیز درباره نظام آن چنان رمزگونه سخن گفته است که مجبور به نوشتن شرحی بر آن به نام ذخائرالاعلاق گردیده است با نگاهی به این دو اثر و روایت می توان دریافت که سالک سفر روح می کند نه جسم و در این سفر دچار مشکلات فراوانی خواهد شد. بدین لحاظ ابتدا نکات عرفانی این دو ماجرا و افراد تاثیر گذار بر این دو شخصیت، (ابن عربی و شیخ صنعان) بررسی گردید تا بتوان به شارحان روایت شیخ صنعان و دیوان ترجمان الاشواق تفهیم نمود که حقیقت و مجاز در آن به هم تنیده شده است و مجاز تنها پلی است برای رسیدن به حقیقت نه چیز دیگر.</p> <p>در داستان شیخ صنعان، دختر ترسا مسیر تعالی شیخ است و در ترجمان الاشواق ابن عربی، نظام دختر مکین الدین اصفهانی هدایتگر شیخ اکبر است. پس با توجه به این موضوع به بررسی مقام زن و این که زن مظهر اسم لطیف در عرفان اسلامی است پرداخته شد و در نهایت بلا در عشق، رضا در عشق و فنا در عشق را می توان در حرکت تمثیلی این دو روایت، تعبیر به این جمله کرد که عاشق و معشوق، هر دو جلوه ای از جمال پروردگار هستند.</p> <p>کلمات کلیدی: ترجمان الاشواق، شیخ صنعان، نظام، ترسا، عاشق، معشوق</p>		

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه مناسب است تاریخ و امضا:

مناسب نیست

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات پژوهش
۲۷	۱-۱ بیان مسئله:
۲۷	۲-۱ اهداف تحقیق:
۲۸	۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن:
۲۸	۴-۱ سئوالات و فرضیه های تحقیق:
۲۸	الف) پرسش تحقیق:
۲۹	ب) فرضیه تحقیق
۲۹	۱- ۵ روش تحقیق
۳۰	۱- ۶ کلمات کلیدی
۳۰	۱- ۷ ساختار محدوده تحقیق
۳۰	۱- ۸ مشکلات تحقیق
۳۰	۱- ۹ پیشینه تحقیق
۳۱	۱- ۱۰ نتیجه تحقیق
۳۱	۱- ۱۱ پیشنهادات
	فصل دوم: عشق و تعاریف و انواع آن
۳۳	۲-۱-۱ مقدمه
۳۳	۲-۲ تعابیر واژه عشق
۳۵	۲-۳ صعود انسان از عشق مجازی به حقیقی
۳۷	۲-۴ عشق به دنیا
۳۸	۲-۵ عشق در آیات قرآن
۳۸	۲-۵-۱ سوره بقره، آیه ۱۶۵
۳۸	۲-۵-۲ سوره مائده، آیه ۵۴

۳۹ ۶-۲ عشق در روایات.
۴۰ ۷-۲ انواع عشق
۴۴ ۸-۲ انگیزه عشق
۴۵ ۹-۲ عشق در جمال الهی
۴۷ ۱۰-۲ تقدم عشق بر جمال
۵۰ ۱۱-۲ خدا سرچشمه زیبایی
۵۱ ۱۲-۲ عشق و حیرت
۵۳ ۱۳-۲ عشق حقیقی و مجازی
۵۷ ۱۴-۲ نظریه ملا صدرا در خصوص عشق
۵۹ ۱۵-۲ شیخ اکبر و عشق مجازی
۶۵ ۱۶-۲ عشق در عرفان اسلامی
۶۸ ۱۷-۲ عشق در فقه و کلام اسلامی
۷۰ ۱۸-۲ تجلی عشق در اسماء خداوند
۷۰ ۱۹-۲ ۱ اسم و دود
۷۱ ۱۹-۲ ۲ اسم حبیب
۷۲ ۱۹-۲ تفسیر عرفانی عشق یوسف و زلیخا
۷۴ ۲۰-۲ جلوه های عاشق و معشوق و عشق از دیدگاه معرفت
۷۴ ۲۰-۲ ۱ عاشق از دیدگاه احمد غزالی
۷۶ ۲۰-۲ ۲ نظریه عین القضاة در باب عشق
۷۷ ۲۰-۲ ۳ قدرت عشق از دیدگاه صائن الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی
	فصل سوم: شعر و رمز در آثار شعرای بزرگ
۸۰ ۳-۱ مقدمه
۸۳ ۳-۲ نظریه سمبلیت ها درباره شعر و معنی آن
۸۳ ۳-۳ نظر عین القضاة همدانی در باب رموز اشعار
۸۴ ۳-۴ داستان های رمزی مهم

- ۳- ۴- ۱ عقل سرخ ۸۴
- ۳- ۴- ۲ سلامان و ابسال ابن سینا ۸۶
- ۳- ۵- رمز در اشعار مولوی ۹۲
- ۳- ۶- رمز در ترجمان الاشواق ۹۳

فصل چهارم: ابن عربی و ترجمان الاشواق

- ۴- ۱- مقدمه ۹۷
- ۴- ۲- شرحی بر زندگی شیخ اکبر ۹۷
- ۴- ۳- تعریف عشق از دیدگاه ابن عربی ۹۸
- ۴- ۴- محبت از دیدگاه ابن عربی ۹۸
- ۴- ۵- رضا در عشق در شعر ابن عربی ۹۹
- ۴- ۶- انسان در شعر ابن عربی ۱۰۲
- ۴- ۷- افراد مؤثر در زندگی ابن عربی ۱۰۳
- ۴- ۸- استادان زن ابن عربی ۱۰۴
- ۴- ۹- زن در اندیشه ابن عربی ۱۰۵
- ۴- ۱۰- معرفی دیوان ترجمان الاشواق ۱۰۶
- ۴- ۱۱- نظام و سرودن ترجمان الاشواق ۱۰۷
- ۴- ۱۲- تاریخ نوشتن ترجمان الاشواق ۱۰۷
- ۴- ۱۳- جلوه و جمال در ترجمان الاشواق ۱۰۸
- ۴- ۱۴- در هم تنیدن حقیقت و مجاز در ترجمان الاشواق ۱۰۹

فصل پنجم: عطار و حکایت شیخ صنعان

- ۵- ۱- مقدمه ۱۱۴
- ۵- ۲- زندگی نامه عطار ۱۱۵
- ۵- ۳- آثار عطار ۱۱۹

- ۱۲۰ ۵-۳-۱ تذکره الاولیاء
- ۱۲۱ ۵-۳-۲ مصیبت نامه
- ۱۲۳ ۵-۳-۳ دیوان قصاید و غزلیات
- ۱۲۳ ۵-۳-۴ مختارنامه
- ۱۲۴ ۵-۳-۵ الهی نامه
- ۱۲۵ ۵-۳-۶ اسرار نامه
- ۱۲۶ ۵-۳-۷ منطق الطیر
- ۱۲۹ ۵-۳-۸ هفت شهر عشق
- ۱۲۹ ۵-۴ عشق از دیدگاه عطار
- ۱۳۳ ۵-۵ حرکت از زهد به عشق در داستان شیخ صنعان
- ۱۳۳ ۵-۶ حکایت شیخ صنعان و دختر ترسا
- ۱۳۴ ۵-۷ صنعاء یا صنعان
- ۱۳۶ ۵-۸ شرح حکایت
- ۱۴۹ ۵-۹ اختلاف عطار و غزالی در خصوص این حکایت
- ۱۵۰ ۵-۱۰ داستان های مشابه با شیخ صنعان
- ۱۵۱ ۵-۱۰-۱ داستان راقد الیل
- ۱۵۱ ۵-۱۰-۲ داستان ولی خانقاه سمرقند
- ۱۵۲ ۵-۱۰-۳ داستان مؤذن بلخ
- ۱۵۳ ۵-۱۱ رابطه مراد و مرید در باب شیخ صنعان و ابن عربی
- ۱۵۴ ۵-۱۱-۲ مرید کیست؟
- ۱۵۴ ۵-۱۲ بررسی اجمالی داستان شیخ صنعان و رابطه شیخ اکبر و نظام

فصل ششم: مراحل سلوک شیخ صنعان در شعر عطار

۱۵۷ ۱-۶ مقدمه
۱۵۷ ۲-۶ معرفی شیخ صنعان به گویش عطار
۱۵۸ ۳-۶ رفتن شیخ به روم به علت خوابی که دید
۱۵۸ ۴-۶ معرفی دختر ترسا
۱۵۹ ۵-۶ گرفتار آمدن شیخ به دام عشق
۱۶۱ ۶-۶ دلداری دادن یاران شیخ را
۱۶۲ ۷-۶ معتکف شدن شیخ در کوی معشوق و مکالمه با دختر ترسا
۱۶۴ ۸-۶ رفتن شیخ به دیر مغان
۱۶۵ ۹-۶ ترسا شدن شیخ
۱۶۷ ۱۰-۶ درماندن مریدان به کار شیخ
۱۶۸ ۱۱-۶ بازگشتن یاران از روم به کعبه بدون شیخ
۱۷۰ ۱۲-۶ بازگشتن مریدان از کعبه به روم
۱۷۰ ۱۳-۶ به فریاد رسیدن سرو کائنات
۱۷۱ ۱۴-۶ نو مسلمانی شیخ
۱۷۲ ۱۵-۶ خواب دیدن دختر ترسا و روان شدن از پی شیخ
۱۷۳ ۱۶-۶ فانی شدن عاشق در معشوق
۱۷۵ نتیجه گیری
۱۸۳ منابع و مأخذ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِيَايَمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَانْتَهِي بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ. اللَّهُمَّ وَقِّرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي، وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَصْلِحْ بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسَأَلُنِي غَدَا عَنْهُ، وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيَمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَاعْنِنِي وَارْزُقْنِي رِزْقَكَ، وَلا تَفْتِنِّي بِالنَّظَرِ، وَاعْزِزْنِي وَلا تَبْتَلِينِي بِالْكِبْرِ، وَعَبِّدْنِي لَكَ وَلا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ، وَاجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِي الْخَيْرَ وَلا تَمَحِّقْهُ بِالْمَنِّ، وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلا تُخَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَدْتْ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقُدْرَتِهَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَامْتَعِنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَا أُسْتَبَدَلُ بِهِ، وَطَرِيقَهُ حَقًّا لَا أَرْيَغُ عَنْهَا، وَنِيَّةَ رُشْدٍ لَا أُشْكُ فِيهَا، وَعَمْرُنِي مَا كَانَ عَمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِذَا كَانَ عَمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَفْتِكَ إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبَكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ لا تَدْعُ خَصْلَةً تُعَابُ مِنِّي إِلَّا أَصْلَحْتَهَا، وَلا عَائِبَةً أُوتِبُ بِهَا إِلَّا حَسَّنْتَهَا، وَلا أُكْرِمَةً فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَتَمَمْتَهَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَ مِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةَ، وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْتِينِ الْوَلَايَةَ، وَ مِنْ غَفُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبَرَّةَ، وَ مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النُّصْرَةَ، وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ، وَ مِنْ رَدِّ الْمُلَابِسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَ ظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ

قَصَبِي، وَ سَلَامَةٌ مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَ وَقَفْنِي لِطَاعَةِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَ مُتَابِعَةٌ مِّنْ أُرْشَدَنِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ سَدَّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ عَشَيْتَنِي بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ، وَ أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الدُّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَعْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَلِّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّارِ، وَ ضَمِّ أَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السَّيْرِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَ الْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْنَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ، وَ أَقْوَى قُوَّتِكَ فِيَّ إِذَا نَصَبْتُ، وَ لَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَ لَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَ لَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، وَ لَا مُجَامَعَةٍ مِّنْ تَفَرُّقِ عَنكَ، وَ لَا مُفَارَقَةٍ مِّنْ اجْتِمَاعِ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولُ بَكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَ أَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكَنَةِ، وَ لَا تَفْتِنْنِي بِالِاسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَّرْتُ، وَ لَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَ لَا بِالْتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحِقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانِكَ وَ مَنَعَكَ وَ إِعْرَاضَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنَّى وَ التَّظَنِّي وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَذَبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شْتَمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِعْرَافًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَ اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ، وَ إِحْصَاءَ لِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي، وَ لَا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَ لَا أَضِلَّنَّ وَ قَدْ أَمَكَّتْكَ هِدَايَتِي، وَ لَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَ سَعِي، وَ لَا أَطْغَيْنَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَ جُدِي. اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَفَدْتُ، وَ إِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ، وَ إِلَى تَجَاوُزِكَ اشْتَقْتُ، وَ بِفَضْلِكَ وَثَقْتُ، وَ لَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَغْفِرَتَكَ، وَ لَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَكَ، وَ مَا لِي بَعْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلَكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَ أَلْهِمْنِي التَّقْوَى، وَ وَقَفْنِي لِلَّتِي هِيَ أَرْكَى، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى. اللَّهُمَّ اسْأَلْكَ بِِ الطَّرِيقَةِ الْمُثَلَّى، وَ اجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ مَتَّعْنِي بِالِالْفِتْصَادِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ

أَهْلِ السَّدَادِ، وَ مِنْ أَدَلِّهِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَ ارزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ. اللَّهُمَّ
خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَ أَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصَلِّحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ
تَعْصِمُهَا. اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَ أَنْتَ مُتَّجِعِي إِنْ حُرْمْتُ، وَ بَكَ اسْتِعَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ، وَ
عِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفًا، وَ لِمَا فَسَدَ صِلَاحًا، وَ فِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرًا، فَاثْمُنْ عَلَيَّ قَبْلَ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَ
قَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَ قَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ، وَ اكْفِنِي مَثُونَةَ مَعْرَةَ الْعِبَادِ، وَ هَبْ لِي أَمْنُ يَوْمِ الْمَعَادِ، وَ
امْنَحْنِي حُسْنَ الْإِرْشَادِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَ اغْذِنِي بِنِعْمَتِكَ، وَ
أَصْلِحْنِي بِكَرَمِكَ، وَ دَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَ أَظْلِنِي فِي ذِرَاكَ، وَ جَلِّنِي رِضَاكَ، وَ وَفِّقْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ
عَلَيَّ الْأُمُورَ لِأَهْدَايَا، وَ إِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَرْكَأَهَا، وَ إِذَا تَنَاقَضَتْ الْمِلَالُ لِأَرْضَاهَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَوَجَّحْنِي بِالْكَفَايَةِ، وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ، وَ هَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَ لَا تَفْتِنْنِي
بِالسَّعَةِ، وَ امْنَحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ، وَ لَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا، وَ لَا تَرُدْ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ
لَكَ ضِدًّا، وَ لَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَ حَصِّنْ رِزْقِي
مِنَ التَّلْفِ، وَ وَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَةِ فِيهِ، وَ أَصِْبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنِي مَثُونَةَ الْاِكْتِسَابِ، وَ ارزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِحْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَعِلَ عَنْ عِبَادَتِكَ
بِالطَّلَبِ، وَ لَا أَخْتَمِلَ إِصْرَ تَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ. اللَّهُمَّ فَاطِّبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَ أَجْرْنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا
أَرْهَبُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَ لَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ
أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعْطِي شِرَارَ خَلْقِكَ، فَاقْتِنِنَ بِحَمْدِكَ مَنْ أَعْطَانِي، وَ أَبْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَ أَنْتَ مِنْ
دُونِهِمْ وَ لِيُؤْتِي الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنَعِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةٍ، وَ فَرَاغًا فِي
رَهَادَةٍ، وَ عِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِ، وَ وَرَعًا فِي إِجْمَالِ. اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ أَجْلِي، وَ حَقِّقْ فِي رَجَائِ
رَحْمَتِكَ أَمَلِي، وَ سَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي، وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَيِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ، وَ انْهَجْ لِي
إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، كَأَفْضَلِ
مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَ أَنْتَ مُصَلِّ عَلَيَّ أَحَدٍ بَعْدَهُ، وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي
الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

خدايا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ايمان مرا به كمال مطلوب رسان، و يقين مرا برترين

يقين گردان، و سرانجام نيت مرا سرانجام بهترين نيت ها قرار ده، و سرانجام كار مرا سرانجام

نیکوترین کارها. خدایا، به لطف خود نیت مرا برتری بخش و آن را خالص گردان، و به آنچه نزد
توست، یقین مرا استواری ده، و به قدرت خود، کارهای تباه مرا بسامان کن.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و بی‌نیازم کن از هر کار که پرداختن به آن مرا از تو باز
می‌دارد. مرا به کاری وادار که فردا از آن خواهی پرسید، و چنان کن که روزهای عمرم در انجام دادن
کاری سپری شود که مرا برای آن آفریده‌ای. بی‌نیازم گردان و روزی‌ام را فراوان ساز. مرا با نگرستن
به دارایی مردم، به فتنه مینداز. عزیزم گردان و به خود پسندی دچارم مکن. مرا به بندگی و خاکساری
درگاهت توفیق ده و چنان مکن که عبادت خویش را بزرگ پندارم و آن را تباه کنم. دست مرا
وسیله‌ای کن که با آن به مردم نیکی رسد، و مخواه که با کدورت منت نهادن آمیخته گردد. مرا از
کردار شایسته بهره‌مندی ده و از به خود نازیدن برکنار دار.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و چندان که مرا در چشم مردم بزرگ می‌داری، به
همان اندازه پیش خودم خوار گردان، و چندان که مرا عزت آشکار می‌بخشی، به همان مقدار پیش
خودم ذلت نفس عنایت کن.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از روشی پسندیده برخوردار نما که هرگز از آن
کناره نجویم، و به راهی راست رهنمون گردان که از آن روی نگردانم، و مرا نیتی درست ارزانی کن
که در آن شک نکنم، و تا آن زمان زنده‌ام بدار که به طاعت تو مشغولم، و چون روزگارم چراگاه
شیطان شود، جانم را بگیر، پیش از آن که بیزاری تو بر من بتازد و خشمت مرا به خاک اندازد.

خدایا، هر خوی ناپسند مرا پسندیده، و هر عیب مرا که موجب سرزنش من است نیکو گردان، و هر فضیلت کامل نگشته‌ی مرا به کمال رسان. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و کینه‌ی دشمنان مرا به مهر مبدل کن، و رشک ستمکاران را به محبت، و بدگمانی بندگان شایسته را در حق من به اطمینان، و دشمنی نزدیکان را به دوستی، و پیوند گسستنِ خویشان را به پیوستن، و روی بر تافتنِ نزدیکان را به یاریگری، و دوستی دوستانِ دروغین را به عشق خالصانه، و ناسازگاری رفیقان را به معاشرت نیک، و تلخیِ ترس از ستمگران را به شیرینیِ ایمن ماندن از ستم ایشان.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در برابر آن کس که بر من ستم می‌کند، توانایی ده، و در مقابل آن کس که با من به ستیز برخاسته، زبانِ گویا بخش، و بر آن که با من دشمنی می‌ورزد، پیروزی ده، و در برابر آن کس که مرا می‌فریبد، چاره‌سازی عنایت کن، و در برابر آن کس که مرا زبونِ خود م‌خواهد، نیرومند گردان. توانم ده که دروغ آن کس را که بر من عیب می‌گیرد، آشکار کنم، و از دستِ آن کس که در پی آزار من است، رهایی یابم، و توفیقم ده تا از کسی فرمانبری کنم که مرا به راه راست می‌برد، و در پی کسی روم که مرا به جاده‌ی خیر و صلاح می‌کشد.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بر آن دار که خیرخواه کسی باشم که بدخواه من است، و به آن کس که از من کناره می‌گیرد، پاسخ نیک دهم، و به کسی که مرا محروم می‌کند، بخشش نمایم، و کار کسی را که از من می‌بُرد، با آشتی تلافی کنم، و کسی را که درباره‌ی من غیبت می‌کند، به نیکی یاد آورم، و خوبی را سپاس گویم، و از بدی چشم برگیرم.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به زیور شایستگان بیارای و به جامه‌ی پرهیزگاران بپوشان: در گستردن عدل و داد، و فرو خوردن خشم، و میراندن آتش دشمنی، و به هم

پیوستن دل‌های پراکنده، و به سامان کردن کار بندگان، و برملا کردن پسن‌دیده‌ها، و پوشاندن کارهای ناپسند، و نرم‌خویی و فروتنی و خوش رفتاری و بردباری و خوش رویی، و پیشی جستن در فضیلت‌ها، و گرویدن به شیوه‌ی احسان، و سرزنش نکردن دیگران، و بخشش نکردن به کسی که سزاوار بخشش نیست، و گفتن سخن حق، اگر چه دشوار باشد، و اندک شمردن کردار و گفتار نیکِ خود، اگر چه بسیار باشد، و بسیار شمردن کردار و گفتار بدِ خویش، اگر چه اندک باشد. [ای معبود من] این صفات را در من به کمال رسان، به وسیله‌ی طاعتِ پیوسته و همراهی با جماعت مؤمنان و دوری گزیدن از بدعتگذاران و پیروان اندیشه‌های ساختگی.

خدایا، محمد و خاندانش درود فرست و هنگام پیری فراخ‌ترین روزی‌ات را به من ارزانی کن، و چون درمانده شوم، نیرومندترین نیروی خود را به من ده، و مرا در عبادت خود به کسالت دچار مکن، و مپسند که راه تو را نادیده انگارم و بر خلاف دوستی‌ات گام بردارم و با آنان که از تو بریده‌اند، پیوند خورم، و از آنان که به تو پیوسته‌اند، پیوند بَرَم.

خدایا، چنان کن که هنگام ضرورت با نیروی تو به انتقام برخیزم، و هنگام نیاز، نیازخواه تو باشم، و هنگام تنگ‌دستی، پیش تو زاری کنم، و مرا به فتنه مینداز که هنگام ناچاری از کسی جز تو یاری خواهم، و هنگام درویشی پیش دیگران به خواهش فروتن گردم و هنگام ترس در پیشگاهِ غیر تو به زاری افتم، تا آن جا که سزاوار گردم مرا به حال خود واگذاری و احسان خویش را از من دریغ کنی و روی از من بگردانی. ای مهربان‌ترین مهربانان.

خدایا، هر آرزو و گمان و رشک که شیطان در دلم می‌افکند، تو آن را یاد کرد بزرگی خود و اندیشه در قدرت خود و تدبیر بر ضد دشمنت قرار ده، و چنان کن که هر ناسزا و یاوه و دشنام

ناموسی، یا گواهی ناحق، یا غیبت مؤمنی که حضور ندارد، و یا ناسزا به شخص حاضر و مانند آن که بر زبانت جاری می‌شود، سخنی در ستایش تو و افزونی در مدح تو و بزرگداشت همواره‌ی تو و سپاس نعمت‌های تو و اعتراف به احسان تو و شمارش بخشش‌های تو باشد.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و چنان کن که بر من ستم نرود، زیرا تو می‌توانی آن ستم را از من باز داری؛ و من بر کسی ستم نکنم، زیرا تو می‌توانی مرا از ستمگری نگاه داری؛ و هرگز به گمراهی نیفتم، زیرا تو می‌توانی مرا به راه هدایت اندازی؛ و هرگز فقیر نشوم، زیرا گشایش کارم از توست، و هرگز گردن کشی نکنم، که هر چه دارم از توست.

خدایا، بر آستانِ آمرزش قدم نهادم و آهنگِ بخشایش تو کردم و به گذشتِ تو مشتاقانه روی آوردم و به احسان تو مطمئن گشتم، حال آن که هیچ ندارم تا سبب آمرزش تو شود، و در کردارم چیزی نیست که در خور بخشش تو باشد. و چون بدین گونه خویشتن را محکوم کرده‌ام، دیگر جز احسان تو هیچ نخواهم داشت. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و بر من تفضل فرما.

خدایا، زبانت را به هدایت گویا کن، و پرهیزگاری را به من الهام فرما، و مرا به هر کاری که پاکیزه‌تر است موفق بدار، و به هر چه پسندیده‌تر است برگمار. خدایا، مرا به والاترین راه رهنمون باش و چنان کن که بر دین تو بمیرم و بر دین تو زنده شوم. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از میانه‌روی بهره‌مند فرما، و در زمره‌ی شایستگان درآور، و از راهنمایان راه هدایت و پایداری قرار ده، و در شمار بندگان نیکوکار خود وارد ساز. رستگاری روز قیامت را روزی من کن و از کمینگاه دوزخ به سلامت عبورم ده.